

ما می گوئیم:

با توجه به آنچه خواندیم روشن است که:

۱. برخی طرب را سرور و نفس حزن دانسته اند و برخی آن را حالت سبکی حاصل از سرور و حزن دانسته اند. و برخی آن را حرکت (که ظاهراً حرکت ناشی از سرور و حزن مراد است) بر شمرده اند. برخی نیز تصریح دارند در لسان عامه مردم و عرف، طرب به معنای حزن یا خفت ناشی از حزن نمی باشد، بلکه ذهاب حزن و حلول فرح است.

۲. ارتباط طرب مستعمل در روایات (به سبب اینکه برخی نوشته اند، در لسان عامه، طرب به معنی سرور یا حالت ناشی از سرور است)، با حزن قابل اطمینان نیست، ضمن اینکه می توان گفت اکثریت لغویین، طرب را نفس شادمانی ندانسته اند، اما نکته مهم آن است که «خفت حاصل از سرور» مفهومی مشکک می باشد و معلوم نیست چه اندازه سستی و سبکی، طرب است و اساساً خفت و سبکی حاصل از سرور – اگر مفهومی مجمل نیست – در کدامین مرتبه اش طرب است و آیا همه مراتب آن را می توان طرب دانست یا مرتبه ای از آن که به حرکت منتهی شود چنین است؟ در این باره مناسب است به سخن مرحوم سبزواری که سابقاً در ضمن جمع بندی بحث غنا آوردیم، توجه شود.

همین مطلب به نوعی مورد اشاره مرحوم کاشف الغطا واقع شده است

و ایشان علاوه بر اینکه می گویند معلوم نیست کدام مرتبه از طرب ملاک است، بر این عقیده اند که بقیه صفات را هم (ظاهراً به سبب مشکک بودن) نمی توان به طور مطلق ملاک غنا دانست.

«أما العرف فمن المعلوم عندهم انه ليس كل من مد صوتاً في كلامه غناء سواء صرخ أو نادى و لا كل من رجع غناء و لو بالترجيع المنكر و لو مرة و لا كل من اعتنى بصوته و حسن غناءه لأن كلاً من الداعين و القارئین و الزائرین كذلك و لا كل من أطرب بنفسه صوته لحسنه غناء كما ينقل عن سيد الساجدين عن الأنبياء الماضين (عليهم السلام) و لا كل من رقق غناء و لو كان لضعف أو لأمر آخر أو لقبح كما يفعل النساء و هل المراد بالترجيع المرة و المرتين أو المراد و هل الطرب فيه في النفس أو لذة و ميل للصوت و هديه أو بالمد العرفي أو الصرفي و ربما عاد الإجمال في كلا



توضیح:

غُنْج: کرشمه و ناز

۳. اما مهم ترین نکته آن است که مفتاح الکرامه مطرح کرده است.

ایشان می نویسند آنچه در میان بحث غنا، مطرح است، اطراب (مطرب) است و نه طرب، و آنچه ما به تعریف آن اقدام کردیم، طرب است.

به عبارت دیگر اصلاً طرب به معنای مذکور در تعریف غنا داخل نیست بلکه «مطرب» دخیل است و اطراب و تطرب به معنای کشیدن و تحسین و ترجیع است. ایشان می نویسند:

«فقد تحصل هنا أن المراد بالإطراب و التطرب غير الطرب بمعنى الخفة لشدة حزن أو سرور كما توهمه صاحب «مجمع البحرين» و غيره من أصحابنا كما ستعرف، فكأنه قال في «القاموس»: الغناء من الصوت ما مدّ و حسنّ و رجّع فانطبق على المشهور، إذ الترجيع تقارب ضروب حركات الصوت و النفس فكان الترجيع لازماً للإطراب و التطرب، و من هنا صحّ للمصنّف أن يفسره في شهادات الكتاب بترجيع الصوت و مدّه. و في «الإرشاد و التحرير» بذلك مع زيادة التطرب. و الوجه فيه أن الترجيع قد يكون بلا مدّ قطعاً و ليس غناء قطعاً، و قد يكون مع مدّ من غير تحسین و تطرب و ترقیق بل مع جفاء و خشونة و غلظ في الصوت و ليس هذا بغناء قطعاً، و قد يكون المدّ بلا ترجيع و هذا أيضاً ليس بغناء.»^۲

توضیح:

۱. اطراب غیر از طرب است.
۲. و لذا قاموس که می گوید «الغناء من الصوت ما طُرب به»، گویی می خواهد بگوید غنا صوت مددار، زیبا و دارای ترجیع (چهجه) است. چراکه مطرب را ما گفتیم به معنای ایجاد ترجیع است.
۳. ترجیع لازمه اطراب است.
۴. و لذا علامه در کتاب شهادات از قواعد می نویسند، غنا ترجیع صوت و مدّ صوت است و علامه در

۱. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر، أنوار الفقاهة - كتاب المكاسب (لكاشف الغطاء، حسن)، ص ۲۰.

۲. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط - الحدیثه)، ج ۱۲، ص ۱۶۸.





ارشاد هم می گوید غنا ترجیع صوت و تطریب صوت است.

۵. ترجیع اگر بدون مدّ باشد غنا نیست و اگر با مد باشد ولی حسن نداشته باشد هم غنا نیست.

۶. و ممکن است مدّ باشد ولی ترجیع و حسن نباشد، آن هم غنا نیست.

مفتاح الکرامه سپس ادامه می دهد:

«فمن ذکر المدّ و الترجیع و التّطریب فلا حاجة به إلى تضمین و لا تحمیل، كما أنّ من ذکر التّطریب و الإطراب كذلك لأنّه لا یكون بدون مدّ و ترجیع و أنّ من ذکر المدّ و التّرجیع فقد حمّل أحدهما و ضمّنه معنی التّحسین و التّطریب و التّرقیق و أبقى الآخر علی معناه الأصلي، كما أنّ من اقتصر علی أحدهما حمّله و ضمّنه ذلك.»^۱

توضیح:

۱. پس کسیکه در تعریف غنا، هر سه صفت (مد، ترجیع و تطریب) را آورده است، کلامش کامل است و نکته ای را در ضمن نکته ای دیگر قرار نداده است، و لازم نیست سخن او را بر معنایی دیگر حمل کنیم.
 ۲. و کسیکه فقط به تطریب اشاره کرده هم، کلامش کامل است چراکه تطریب بدون مد و ترجیع حاصل نمی شود.
 ۳. ولی کسیکه فقط به مد و ترجیع اشاره کرده، باید یکی از این دو صفت را از معنای خود خارج کرده و متضمن معنای تحسین و ترقیق قرار دهد.
 ۴. و کسیکه فقط به مد یا ترجیع اشاره کرده است هم باید به همین نحوه عمل کند.
- فاضل جواد (صاحب مفتاح الکرامه) سپس می نویسد که تعاریف فقها هم با این نگاه تصحیح می شود و اساساً به همین نکته اشاره دارد:
- «و بذلک ینطبق علی المشهور ما نقله فی «النهاية» عن الشافعی من أنّه تحسین الصوت و ترقیقه بالتّقریب المشار إليه، و كذلك قوله فیها: کلّ من رفع صوتاً و واهه فصوته عند العرب غناء، لأنّ المراد بالموالاة التّرجیع.»

۱. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - الحدیثة)، ج ۱۲، ص ۱۶۸.*





و بذلك ينزل على المشهور أيضاً ما في شهادات الكتاب و بعض كتب اللغة من أنه ترجيع الصوت و مدّه، و ما في «السرائر و إيضاح النافع» من أنه الصوت المطرب لأنه كما في «القاموس» و قول من قال إنه مدّ الصوت، و قول من قال: من رفع صوتاً فهو غناء، و قوله في «المصباح المنير»: إنه الصوت، كما يظهر ذلك لديك ممّا ذكرناه.

و يرشد إلى ذلك أنّ من تعرّض لبيان معناه ما عدا صاحب «الكفاية» تبعاً «لمجمع البرهان» لم يذكر له إلّا معنيين، المعنى المشهور و الإحالة إلى العرف كالفاضل المقداد و الشهيد الثاني **بل قد** نقول: إنّ المعنى المشهور لا يحكم العرف بسواه. و يرشد إلى ذلك أنّ جماعة ممن عرفه كالمحقق في شهادات «الشرائع» و المصنّف في «الكتاب و التحرير و الإرشاد» لم يذكروا له إلّا المعنى المشهور، و ما ذاك إلّا لأنه هو الذي يحكم به العرف، و إلّا لكان الواجب عليهم الإحالة على العرف كما تقتضيه قواعدهم، لأنه لفظ ورد من الشرع تحريم معناه و لم يعلم له معنى شرعي فيحال على العرف. و لو كان له في اللغة معنى يخالفه لأنّ العرف العامّ يقدم عليها فكيف يفسّرونه بمعنى يخالف العرف، إنّ ذلك لمستبعد منهم غاية البعد.»^۱

توضیح:

۱. شافعی که می گوید غنا تحسین صوت و ترقیق آن است یا می گوید هر کس صدایش را بالا می برد و توالی می بخشد، مرادش همین ترجیع است چراکه توالی به معنای ترجیع است.
۲. و همه کسانی که معنای مشهور را اختیار کرده اند (مدّ ترجیع صوت و مدّ صوت) همین را مدّ نظر دارد.
۳. و کسانی که به معنای عرفی احاله کرده اند هم همان معنای مشهور را مدّ نظر دارند و کسانی که معنای مشهور را گفته اند همان را معنای عرفی می دانسته اند و الا باید می گفتند که حکم شرعی تابع معنای مشهور نیست بلکه تابع معنای عرفی است.

ما می گوئیم:

۱. ما حصل فرمایش ایشان آن است که تطریب به معنای ترجیع و مدّ است و با طرب فرق دارد و غنا: صوت زیبای دارای تطریب است و لذا اگر کسی بگوید غنا صوت مطرب است، مثل آن است که بگوید

۱. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - الحدیثة)، ج ۱۲، ص ۱۶۸.



غنا صوت دارای مد و ترجیع است ولذا تطریب مطلب جدیدی غیر از «ترجیع و مدّ» در بر ندارد.

۲. البته یک اشکال به ایشان قابل ایراد است و آن اینکه ایشان در بند اول سخن خویش «تحسین و ترقیق» را هم در تعریف غنا داخل می کند و آن را در کنار تطریب قرار می دهد. ولی در قسمتی که به کلمات فقها اشاره می کند، از «تحسین و ترقیق» سخنی به میان نمی آورد. دقت شود که ایشان هیچ تصریحی ندارد که «تحسین و ترقیق» در ترجیع نهفته باشد.

